

فویبای ازدواج

مهم‌ترین دلایل ازدواج نکردن جوانان چیست؟ آیا «اقتصاد» به عنوان مؤثرترین عامل می‌تواند مانع اصلی بر سر راه ازدواج جوانان باشد؟ متغیرهای پنهان و مداخله‌گر بر سر راه ازدواج کدامند؟



مهم‌ترین دلایل ازدواج نکردن جوانان چیست؟ آیا «اقتصاد» به عنوان مؤثرترین عامل می‌تواند مانع اصلی بر سر راه ازدواج جوانان باشد؟ متغیرهای پنهان و مداخله‌گر بر سر راه ازدواج کدامند؟

به گزارش ایسنا، روزنامه ایران نوشت: «در حال حاضر بیش از ۱۳ میلیون جوان ازدواج نکرده در کشور زندگی می‌کنند که تمایلی به تشکیل خانواده از خود نشان نمی‌دهند و بیشتر علاقه مند هستند که مجرد باقی بمانند. شاید بسیاری از ما در اولین نگاه، مسائل اقتصادی را مهم‌ترین عامل در این مسأله بدانیم اما با گشتی در زندگی افرادی که به اصطلاح دست‌شان به دهان‌شان می‌رسد یا حتی بالای شهرنشین هستند، متوجه خواهیم شد که مشکلات اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند در افزایش تمایل جوانان به مجرد ماندن مؤثر باشد. به اعتقاد کارشناسان و متخصصان حوزه خانواده حالا در ایران امروز، تغییر سبک زندگی، متغیرهای مورد نظر افراد برای گرایش به سمت تشکیل زندگی را بشدت تحت تأثیر قرار داده است تا جایی که بیم آن می‌رود، نداشتن تمایل به ازدواج سیر صعودی به خود بگیرد و این پدیده نو در کشور به معضلی آسیب‌زا تبدیل شود.

دکتر فهیمه نظری، مدرس دانشگاه، جامعه‌شناس و مدیر گروه جامعه‌شناسی خانواده، با اشاره به اینکه بسیاری از مجردها بر ضرورت ازدواج و سروسامان دادن زندگی خود تأکید می‌کنند اما در جهت اقدام به آن کمتر تلاش از خود نشان می‌دهند، به «ایران» می‌گوید: این روزها با جوانانی روبه‌رو هستیم که در دوراهی ازدواج کردن و ازدواج نکردن، گزینه دوم را انتخاب می‌کنند. به راستی مهم‌ترین دلایل ازدواج نکردن جوانان چیست؟ آیا «اقتصاد» به عنوان مؤثرترین عامل می‌تواند مانع اصلی بر سر راه ازدواج جوانان باشد؟ متغیرهای پنهان و مداخله‌گر بر سر راه ازدواج کدامند؟

او در پاسخ به پرسش‌های فوق توضیح می‌دهد: مسأله ازدواج نکردن جوانان تنها دغدغه و مختص جامعه ما نیست. میل به مجردبودن در جوانان در حد یک مقیاس جهانی است و در همه جوامع این مشکل به چشم می‌خورد. این روش به یک سبک زندگی تبدیل شده و روزه روز بر شمار طرفدارانش افزوده می‌شود. در یک نگاه کلی می‌توان مهم‌ترین دلایل در تعیین این سبک زندگی را، فردگرایی، آزادی بیشتر، عدم تعهد و مسئولیت‌ناپذیری دانست. تمایل نداشتن به ازدواج در میان جوانان به عنوان مسأله‌ای مهم در جامعه ما شناخته شده و از این حیث یک دغدغه جدی محسوب می‌شود که بر خلاف توصیه‌های مؤکد دینی، برنامه‌ها، سیاستگذاری‌های جمعیتی نهادها و سازمان‌هاست، در عین حال هم به منظور راه‌های ایجاد افزایش جمعیت، ترغیب جوانان به ازدواج در طی سال‌های متمادی تبلیغ شده است اما با تمام این توصیه‌ها گویا دیگر ازدواج در اولویت زندگی جوانان جامعه قرار ندارد و تمایل برای تشکیل خانواده روزه روز به کاهش و در مقابل تمایل به زندگی مجردی با افزایش همراه شده است.

به گفته نظری، هنوز هم نزد جوانان، اقتصاد مهم‌ترین عامل، در سروسامان دادن زندگی شناخته می‌شود و نقش بسیار مهم و پیش‌برنده دارد اما آنها به دلایل ضمنی و مهم دیگری اشاره می‌کنند که به طور جدی از موانع ازدواج جوانان محسوب می‌شود. برای اثبات این ادعا می‌توان به شمار زیادی از جوانانی که دغدغه مالی-اقتصادی ندارند ولی تمایل به ازدواج هم ندارند اشاره کرد. به همین دلیل نیاز است تا علل این ناخواستگی‌ها را جست‌وجو کرد.

یکی از مهم‌ترین دلایل، حرکت جامعه از سنتی به مدرن است. هنگامی که جامعه با تغییرات زیادی مواجه می‌شود و بین برزخ سنتی بودن و مدرن شدن قرار می‌گیرد، مؤلفه‌هایی چون تغییر و جابه‌جایی ارزش‌ها، تغییر در سبک زندگی، تغییر در انتظارات و توقعات رخ خواهد داد و متغیرهایی چون فردگرایی و خودخواهی، تبعیت از الگوهای جهانی، عدم تعهد و مسئولیت‌نپذیرفتن و تغییر الگوها و مرجعیت‌ها بروز خواهد کرد. در واقع حضور همین متغیرهای جدید است که زمینه‌چالش‌هایی برای ازدواج و طلاق را فراهم کرده است. مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که نهاد خانواده در گذشته نقش و وظایف مشخص و محدودتری نسبت به نقش و وظایف حال حاضر خود داشته است.

او می‌گوید: در گذشته تعداد فرزندان بیشتر از زمان حاضر بود اما پدر و مادر نقش حمایتی خود را در یک بسته مشخص ارائه می‌کرد. بعضاً این حمایت‌ها از آغاز زندگی فرزندان تا جداسازی فرزندان از خانه پدری ادامه می‌یافت و خانواده در ادامه حمایت‌های اقتصادی به حمایت‌های عاطفی خود ادامه می‌داد ولی امروزه وظایف خانواده بیشتر از حد و توان گذشته شده و این حمایت‌ها که بیشتر از جنس اقتصادی است تا سال‌ها پس از ازدواج فرزندان نیز ادامه دارد؛ حمایتی که بوی خستگی برای خانواده داشته و

موجب شده تا جوانان با عادت کردن به این سبک زندگی به ازدواج تن ندهند.

به اعتقاد این جامعه شناس، در گذر جامعه سنتی به جامعه مدرن، بسیاری از ارزش ها تغییر یافته اند، اخلاق دیگر سرلوحه امور نیست و اعتماد رنگ باخته است. بی اعتمادی و شک به صورت جدی از موانع و بازدارنده های ذهنی جوانان، برای انتخاب شریک زندگی محسوب می شود. به همین لحاظ انتخاب یک شریک خوب و مناسب و قابل اعتماد سخت تر از گذشته شده است. یکی دیگر از چالش های جدی که خانواده در ایران به مثابه نهادی تنها و بدون پشتوانه با آن مواجه است، «طلاق» است. گزارش ها نشان می دهد از هر سه ازدواج یکی از آنها منجر به طلاق می شود. در واقع جوانان می دانند با انتخاب غلط یا اجبار به ازدواج از سوی والدین، یا نداشتن علاقه به زندگی مشترک و نداشتن مهارت زندگی، زمینه جدی برای طلاق و ازهم پاشیدگی خانواده آتی فراهم می شود.

نکته دیگر برخورد سطحی و راهکارهای سطحی توسط مسئولان است که به منظور حل بحران جمعیت بدون توجه به آسیب های جدی ای که خانواده با آن مواجه است، نظیر فقر و ناامنی، بیکاری، تورم و نظایر اینها و بسنده کردن تنها به دستورالعمل هایی که موجب بازنگه داشته شدن پنجره جمعیتی است، اکتفا می کند اما این نمی تواند یک راه حل مناسب برای تشویق جوانان به امر ازدواج باشد. قبل از هر چیز مسئولان باید مشکلات را به شکل واقعی ببینند تا بتوان در سریع ترین زمان ممکن از سد مشکلات عبور کرد.

شرایط امروز جامعه ما موجب ناامیدی افراطی و توقعات بالایی شده که جوانان از خود و از فضای اقتصادی و سیاسی دارند و عاملی مهم و بازدارنده در امر ازدواج است. نظری با بیان این جملات می افزاید: در حال حاضر مهم ترین و قدیمی ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده هسته ای در حال عبور به خانواده مدرن است. خانواده مدرن از الگوهای غربی پیروی می کند. ازدواج سفید، ازدواج آزاد و دیگر انواع روابط بین دختر و پسر نشأت گرفته از همین الگوهای غلط است.

چند توصیه و راهکار

این استاد دانشگاه ضمن بیان مشکلات در این حوزه، به راهکارهایی عملی در زمینه افزایش گرایش جوانان به ازدواج اشاره کرد و گفت: خانواده در ایران نیازمند حمایت جدی و کمک دولت در زمینه های تأمین شغل، کار، مسکن و بهبود اوضاع اقتصادی خانواده هاست و این امر میسر نمی شود مگر با عزم جدی و قائل به برنامه ریزی درست و منطقی که از سوی دولت باید صورت پذیرد. کنارزدن برخی سنت ها، آداب و رسوم قدیمی در جامعه و در میان خانواده ها می تواند به طور جدی معضلاتی را از سر راه ازدواج بردارد. مهریه بالا، مراسم عروسی پرهزینه و جهیزیه گران قیمت که مبنای دینی ندارند، مخارج زیادی را پیش از ازدواج روی دست جوانان گذاشته است. لزوم ایجاد برنامه های آموزشی از سوی رسانه به صورت مدون، دقیق و مستمر احساس می شود؛ برنامه هایی که دانش جوانان را در زمینه مهارت های زندگی، احساس مسئولیت پذیری و دانستن قواعد رفتاری زندگی اجتماعی افزایش دهد. همچنین موظف کردن دستگاه های متولی در امور جوانان چون سازمان بهزیستی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، ورزش و جوانان، شهرداری و ... از سوی نهادهای بالادست به منظور ارائه نقشه راه عملی و واقعی می تواند موجب تسهیل در ازدواج شود.

لزوم ارتقای سطح آگاهی های جوانان درحوزه ازدواج

دکتر محمدرضا ایمانی، روانشناس، با بیان اینکه مسائل پیچیده ای به مقوله ازدواج بازمی گردد، به ما توضیح می دهد: نظام خانوادگی و فرهنگی فرد و نوع تفکر او از جمله این مسائل هستند. برخی خانواده ها به طور کلی هیچ اعتقادی به تشکیل زندگی مشترک ندارند و به مرور زمان این اعتقاد شخصی به یک فرهنگ در آن خانواده بدل می شود. بخشی از ماجرا به موضوع مسئولیت پذیری متعهدانه و توأمان بازمی گردد. علاوه بر اینها هم در بحث روحی و هم اقتصادی، فردی که تصمیم به ازدواج دارد، باید آمادگی مواجهه با این موارد را داشته باشد. در حال حاضر با بحث خصوصیات اجتماعی در جامعه و بازخوردهایی که بی امان از جامعه شکل می گیرد نیز مواجه هستیم، مواردی مانند همسرآزاری، طلاق و مشکلات روحی-روانی که فرد ممکن است از قبل داشته باشد و تا بعد از ازدواج آن را برملا نسازد، همگی سبب می شوند برخی نسبت به ازدواج سست شوند.

همواره شنیده ایم که دخالت های خانوادگی می تواند از جمله مواردی باشد که برهم زننده زندگی زوجین باشد، این در حالی است که ایمانی معتقد است این مقوله حتی می تواند جوانان را از ازدواج هم دور کند. به این صورت که فرد به بلوغ فکری و استقلال رسیده اما همچنان خانواده می خواهد برای او خط مشی تعیین کند. بیان بازخوردهای این چنینی سبب می شود، بقیه افراد هم تحت تأثیر قرار گرفته و از تشکیل زندگی مشترک بهراسند. مورد مهم دیگری هم که در جامعه ما به نوعی حرف زدن درباره آن هنوز تابو محسوب می شود، بحث نیازهای جنسی است که نقطه آغاز یک رابطه به شمار می رود. در زمانه حاضر، نوع و شکل رابطه از موضوع ازدواج فاصله گرفته و تبدیل به دوستی می شود اما به ازدواج نمی رسد. شاید همان الگوهای خانوادگی

غلط مانند سختگیری های وحشتناک والدین است که دسته ای از جوانان را به سمت ازدواج نه سفید بلکه ازدواجی سیاه پیش می راند. سیاه به این دلیل که در ازدواج هایی این چنینی، امنیت ذهنی، عاطفی و زیستی وجود ندارد، این در حالی است که باید بستر امنیت در یک ازدواج وجود داشته باشد تا دلبستگی در ارتباط ایجاد شود. از آنجا که در ازدواج های سفید هنگام جدایی افراد تعهدی نسبت به هم ندارند، ارتباط عاطفی عمیقی نیز بین ایشان شکل نمی گیرد.

این روانشناس در ادامه با تأکید بر این نکته که بسیاری از جوانان تمایل به تشکیل زندگی مشترک دارند اما درگیر موضوعات مختلفی شده اند که ایشان را از این هدف دور کرده است، می گوید: از جمله این موارد که اهمیت زیادی هم دارد، این است که یک جوان هنگام ازدواج نیاز دارد در اجتماع تشخیص و بلوغ فکری داشته باشد، این مقوله نیز ارتباط مستقیم با اشتغال دارد، چنانچه فردی فاقد شغل و مهارت باشد، آن تشخیص مد نظر را که می تواند لازمه ازدواج باشد هم نمی تواند کسب کند و در روابط دوستانه باقی می ماند. به موازات این مسأله، طولانی شدن یک سبک زندگی، سبب عادت کردن به آن می شود، به تعبیری با طولانی تر شدن رابطه دوستی، فرد به آن سبک زندگی عادت می کند و در نهایت، عادت به تنهایی، تبدیل به مانعی بر سر راه ازدواج خواهد شد. در آن صورت چنانچه در آینده تمامی شرایط لازم هم فراهم باشد، به دلیل عادتی که ایجاد شده، رغبتی به ازدواج کردن وجود نخواهد داشت. از طرفی با این رویه زندگی، احتمال ازدیاد روابط نیز وجود دارد و فرد ممکن است، به مشکل تنوع طلبی دچار شود، در عین حال، قطعاً و بی شک روابط متعدد در طول زندگی، آسیب های زیادی به افراد وارد کرده و آنها را از ازدواج دور می کند. به علاوه ازدواج برای این قبیل افراد فاقد هرگونه جذابیتی خواهد بود؛ در حالی که با ازدواج و تشکیل خانواده شخصیت هر فردی ارتقا می یابد.

ازدواج، عاملی برای افزایش احساس امنیت و آرامش جوانان

ایمانی درباره افزایش سطح تحصیلات، تخصص، سواد و مهارت دختران در سال های اخیر و تأثیر آن بر روند ازدواج می گوید: این موارد همگی ازجمله فرصت های بی نظیری هستند که برای ایرانیان ایجاد شده اما با افزایش استقلال مالی و اقتصادی بانوان، گروهی ممکن است، دیگر تمایلی به ازدواج نداشته باشند و این امر می تواند سبب بالا رفتن سن ازدواج شود. بالا رفتن سن هم با کاهش انتخاب ها ارتباط مستقیمی دارد و می تواند در این مهم، دخیل باشد. از این رو باید سطح آگاهی جوانان در این حوزه ارتقا پیدا یابد. افراد پیش از ازدواج باید در خصوص ادامه اشتغال دختر و داشتن استقلال مالی و آزادی های مورد نظر با یکدیگر صحبت کنند. مردان باید بپذیرند که یک زن هم باید احساسات تشخیص بالا در جامعه داشته باشد. در مقابل، برخی پسرها با توجه به مشکلات اقتصادی بشدت تمایل به ازدواج با دختران شاغل دارند تا در هزینه های زندگی با هم سهیم باشند، از طرفی دسته ای از دختران معتقدند با توجه به مقوله فرهنگی ما، مرد موظف است تمام هزینه های زندگی را به تنهایی متقبل شود. این تفکرات باید توسط جوانان بازنگری شود.

به اعتقاد ایمانی، در ساختار زندگی، زن و مرد به یک اندازه سهیم هستند، با ازدواج، هر فرد می تواند فرصت های جدیدی برای خود ایجاد کند اما طبیعی است که احتمالاً از دست دادن یک سری از فرصت ها هم ممکن است، وجود داشته باشد. دختر و پسر باید بپذیرند در موضوعات مختلف زندگی با یکدیگر سهیم و شریک باشند. البته تا زمان پیش از ازدواج در خصوص میزان سهم هر فرد در حوزه های مختلف با صحبت کردن می توان به نتایج و توافقات مورد نظر دست یافت. پیشرفت دختران در عرصه های مختلف در اجتماع بی شک فرصت است و نباید به عنوان یک تهدید به این مقوله نگاه شود.

ایمانی در خاتمه با اشاره به اینکه هیچگاه دو نفر به لحاظ رفتاری و فکری نمی توانند کاملاً به هم شبیه باشند، بیان می کند: هدف از ازدواج، افزایش احساس امنیت و آرامش طرفین است، قرار نیست دو نفر مثل هم فکر کنند و مانند هم باشند، با درک این موضوع امنیت و آرامش بیشتری در خانواده ها برقرار می شود.»